

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ اکتوبر ۲۰۲۲

تضاد بین "سیا" و "اف.بی.آی." و بازداشت "خلاند"!

یکشنبه - ۰۱ عقرب ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز مکث کوتاهی داریم در مورد بازداشت موقت آقای فیض محمد "خلاند" استاد پوهنتون کابل که به اساس گزارش "بی.بی.سی." حین ورود به امریکا علی رغم دعوتنامه و ویزائی معتبری که داشت، دستگیر شده و برای مدت ۴ روز در بند نگه داشته شد. به گفته آقای "خلاند" ایشان بعد از تلاشهای زیاد سرانجام موفق شدند با "زلمی خلیلزاد"، "توماس وست"، نماینده ویژه امریکا برای افغانستان، "بارنت روبین"، استاد دانشگاه و خبرنگاران تماس بگیرد و برای رهائی خود از آنها کمک بگیرد.

برای آنهایی که به ساده نگری و ساده ساختن مسائل عادت نموده اند و از جانب دیگر شناخت از میکانیسم های قدرت در داخل امریکا و تضاد های درونی بین آنها ندارند، این رویداد می تواند یک "سوءتفاهم" باشد که با دخالت "افراد مطلع" و رفع "سوءتفاهم" به خیر و خوشی خاتمه یافته، استاد ضد حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" و یکی از طرفداران سرسخت طالب که در تمام مدت حاکمیت پوشالی ها اعم از "کرزی، غنی احمدزی و عبدالله" بیشتر از "ستون پنجم" به نفع طالب فعال بود، به خانه برگشتند. در حالی که واقعیت قضیه غیر از آن چیزی است که در ظاهر نمودار شده است و اینجا کوشش می شود تا مختصراً به آن پردازیم:

۱- نخستین نکته ای را که این حادثه و خیر آن افشاء می نماید روابط عمیق و تنگاتنگ افراد طالب حتا در سطح آنهایی که به مثابه ستون پنجم در زمان حاکمیت های پوشالی و دست نشاندۀ "کرزی، غنی احمدزی" در داخل افغانستان فعال بودند و به اصطلاح علیه "امریکا" موضع گرفته گاه و بیگاه سخنرانی می کردند و تلاش داشتند تا مردم عوام آنها را به حیث یک عنصر ضد امریکائی و ضد تجاوز به خاطره بسپارند؛ با "CIA- سیا" بود.

این روابط تنگاتنگ با "سیا" که عمدتاً از همان آغاز کودتای خونبار ثور و حتا قبل از آن به وجود آمده در برخی از آنها تا کنون در ابعاد عمیقتری ادامه یافته است و اکنون ما بازتاب آن را در نزدیکی های رو به تزايد مناسبات بین امپریالیسم امریکا و نظام ملاسالار شاهد هستیم، اصلی است که "سیا" بر مبنای آن در خارج از امریکا پایه های قدرت امپریالیسم امریکا را بنیان گذاشته است.

آنها بدون آن که کسی از آن با خبر باشد، به ده ها، صد ها و چه بسا هزاران تن از افراد یک کشور زخمی و آسیب دیده را به خود جذب نموده با استخدام آنها در خدمت "سیا" امیال و اهداف استعماری و بغایت خائینانه شان را توسط افراد ظاهراً بومی همان کشور تحقق می بخشند.

۲- خلاف آنهایی که وقتی نام امریکا به گوش شان می رسد تصور می نمایند که با یک حاکمیت یک پارچه و از جان گذشته و یک کشوری طرف هستند که افراد و نها های آن برادروار در کنار یک دیگر ایستاده با شعار و ستراتیژی "همه برای یکی و یکی برای همه" کشور شان را به پیش می رانند، امریکا یکی از جمله کشورهاییست که از لحاظ عددی بر مبنای داشتن بیشترین نهاد امنیتی- ۱۶ گانه- و استقلال درونی آنها، بیشترین تضاد درونی بین آن نهاد ها نیز وجود دارد.

تا جایی که گفته می شود، گردانندگان اصلی ایالات متحده امریکا بسیار آگاهانه این ۱۶ نهاد را صرف در حوزه امنیتی- استخباراتی به وجود آورده اند تا هر یک علیه دیگری جاسوسی نموده از بروز کودتا و تحرکات مسلحانه ضد حاکمیت جلوگیری نمایند.

تا جایی که از مطالعه تاریخ تضاد های درونی بین نهاد های امنیتی - اطلاعاتی امریکا بر می آید، بیشتر تضاد و درگیری حتا تا سطح برخوردهای مسلحانه و خونین بین "سیا" و "اف. بی. آی." وجود داشته است. دلیل بروز این دشمنی ها و خصومت های خونین تقسیم حوزه های کار آنها می باشد. یعنی در حالی که "سیا" مکلفیت دارد تا تمام تحرکاتش را در خارج از ایالات متحده امریکا انجام دهد و به هیچ نیرو و فردی به جز رئیس جمهور پاسخده نباشد- مگر این که به پیشنهاد سنا، محکمه حکم نماید- "اف. بی. آی." وظیفه دارد تا تمام فعالیت ها و تحرکات امنیتی، اطلاعاتی و استخباراتی را در داخل امریکا سازماندهی و حراست نماید.

مشکل زمانی به وجود می آید که یکی از این دو نهاد بخواهد در خارج از حوزه "جغرافیائی صلاحیتش" تحرکی را ایجاد نماید مثلاً "اف. بی. آی." بخواهد ردپای یک باند مجرمین مواد مخدر را در افغانستان، کلمبیا، مکزیکو و یا جای دیگری تعقیب نماید، از آنجائی که اکثر چنین فعالیت هائی در آن کشور ها در همسوئی با "سیا" انجام می یابد، چنین تعقیبی در اولین و دومین قدم "سیا" را با "اف. بی. آی." در تقابل قرار می دهد، نتیجه چنین تقابلی کشتار طرفین به وسیله افراد یک دیگر می باشد این مسأله بیش از ده ها بار در کلمبیا و مکزیکو اتفاق افتاده است.

عکس آن زمانی اتفاق می افتد که "سیا" بی خیر از دوسیه فردی در "اف. بی. آی." وی را به امریکا دعوت می نماید، نمونه برجسته آن در مورد افغانها "بشر نروزی" همکار با سابقه "سیا" می باشد که در امریکا به وسیله "اف. بی. آی." در حالی دستگیر گردید که از جانب "سیا" دعوت شده بود.

هموطنان گرامی!

همان سان که در بالا قسماً تشریح نمودیم، دستگیری و رهائی سریع استاد فیض محمد خلاند چیزی جز بازتاب تضاد های درونی "اف. بی. آی." و "سیا" نمی باشد. یعنی در حالی که نامبرده تا مغز استخوان در باتلاق همکاری با "سیا" فرورفته و برای آنها یکی از کارشناسان و امیدهای آینده شان به شمار می رفت، نامبرده به خطر تماسهایش با شبکه های تروریستی ساخت "سیا" در خارج از امریکا، در "اف. بی. آی." دوسیه داشت. از همین رو به محض ورود به امریکا دستگیر شد. و اما این که چرا این خبر در رسانه های داخلی انعکاس نیافت و با رها کردنش خواستند در اسرع وقت گلیمش را جمع نمایند، بر می گردد به اهمیت مناسبات مخفی بین نظام ملاسالار با امپریالیسم امریکا.

یعنی در حالی که هر دو طرف نمی خواستند این خبر و رابطه پشت سر آن افشاء گردد، این قلم خبر را گرفته ضمن تحلیلی از جانب خود، در حد همین صفحه افشاء نمودم تا دیده شود چه انعکاسی در جامعه می یابد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!